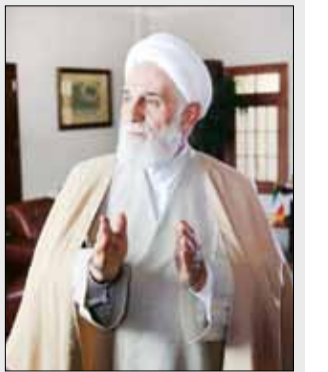


### گفت و گو



متن کامل گفت و گوی سازندگان مستند «قائم مقام» با حجت الاسلام ناطق نوری

روایتی بدون سانسور از زندگی مرحوم منتظری

## دفاع قاطع از اعدام های ۶۷

متن این گفت و گو از سوی عوامل سازنده مستند «قائم مقام» در اختیار «وطن امروز» قرار گرفته است و به طور اختصاصی منتشر می شود

■ سال ۶۰ وقتی منافقین شورش کردند با تیغ های مکتوبی چطور سر انسان ها را در خیابان ولیعصر می زدند؟ سر می زدند مثل الان داعش

■ در ماجرای آخر جنگ و مرصاد: آنجا اصلا تمام امید آمریکایی ها و هم پیمانان شان و صدام و همه به منافقین و ارتش منافقین بود که حمله کنند

■ این در زندان هم منعکس شده بود که ما می آییم و شما در زندان شورش کنید، تهران را شما بیزید بگیرید

■ کدام حکومت در دنیا می نشیند یک دماهی بیابند کودتا و شورش کنند، قتل عام کنند و همه را بکشند و این نگاه کنده

■ بخش آن قابل صوتی جفا و خیانت به امام، انقلاب و نظام بود

### حسن روحانی در جمع رؤسای کمیسیون های مجلس شورای اسلامی درباره حوادث روزهای اخیر:

# مردم پاسخ آشوبگران را می دهند

■ موفقیت ما در دنیای سیاست و در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی برای آنها غیر قابل تحمل بود. موفقیت ما در منطقه برای آنها غیر قابل تحمل بود. شما می خواهید آنها انتقام نگیرند؟ شما می خواهید یک عده افراد را تحریک نکنند؟

■ ملت ایران از این مشکلات عبور خواهد کرد. ملت ما یک اقلیت و گروه کوچک را که بیایند کاری انجام دهند، شعار خلاف قانون و خواست مردم بدهند و به مقدسات و ارزش های انقلاب توهین کرده و تخریب اموال عمومی بکنند، بخوبی جمع می کند

■ مردم ۸۰ میلیون جمعیت است که اگر روزی لازم باشد این مردم در روزهای آینده بیایند و از نظام حمایت کنند خواهید دید که چه جمعیت میلیونی در خیابان خواهد آمد، معلوم است اینها به معنای مردم نیستند

صفحه ۲



عکس: President.ir

### خبر

چرا قانون منع نفرت پرانی ژرمن ها شامل شبکه پیام رسان فعال در ایران نمی شود؟

**ریکاری دولت آلمان به نفع تلگرام**  
با وجود تصویب و اجرای قانون ضد نفرت پرانی در رسانه ها و شبکه های اجتماعی در آلمان، شرکت تلگرام به عنوان یک شرکت ثبت شده در این کشور مغایر آن عمل می کند.

دیروز همزمان با آغاز سال ۲۰۱۸، مهلتی که دولت آلمان برای اپراتورهای بزرگ شبکه های اجتماعی برای پاکسازی محتوای نفرت پرانگانه، خبرهای دروغ و دیگر مطالب غیرقانونی تعیین کرده بود پایان یافت. به گزارش رسانه های آلمانی، این دوره انتقالی تعیین شده برای شرکت ها در راستای اعمال قانون موسوم به «بتردی گی» روز دوشنبه اول ژانویه پایان پذیرفته و طبق آن شرکت های فعال در زمینه شبکه های اجتماعی که بیش از ۲ میلیون عضو دارند و محتوای غیرقانونی خود را حذف یا فیلتر نکرده باشند تا ۵۰ میلیون یورو جریمه خواهند شد. اما به نظر می رسد دولت آلمان در راستای اجرای این قانون نهایت تزویر را به نمایش گذاشته است، چرا که تمام تاکید برلین بر محدودیت شبکه های خارجی مثل فیسبوک، توئیتر و یوتیوب است که در آلمان مخاطبان گسترده دارند اما شبکه های اجتماعی مثل تلگرام که بخشی از سرورهای شان در این کشور است به شکل غیر قابل توجهی آزاد گذاشته شده اند.

اولیسل هفته جاری بود که پاول دوروف، مدیر روس تبار شبکه پیام رسان تلگرام اعلام کرد بنا به درخواست وزارت ارتباطات ایران، کانال نفرت پران «مدنیوز» را روی این شبکه به خاطر تشویق اغتشاشگران به ساخت بمب دستی کوکتل مولوتف بسته است اما در ادامه تلگرام از بستن حساب های جدیدی که توسط گردانندگان همین کانال راه اندازی شده بود سرد باز زد. این موضوع فیلتر گسترده تلگرام را توسط دولت ایران به همراه داشت اما عجیب آنکه دولت آلمان که خود در حال سختگیری بر شبکه های اجتماعی در موارد مشابه است، برخلاف قوانین رفتار کرده و هیچ برخوردی با تلگرام نکرد. این در حالی است که شرکت تلگرام که با سرمایه گذاری یک شرکت فناوری آمریکایی - اسرائیلی ثبت شده و در نیویورک توسعه یافته، از سال ۲۰۱۵ بخشی از سرورهای خود را به آلمان منتقل کرده بود. همچنین از سال گذشته تیم آن در دویب مستقر شده است که این موضوع نیز بر ابهامات موجود درباره نقش سازمان های اطلاعاتی امارات و سعودی در تبلیغ و خطه های اغتشاشات اخیر ایران در کانال های تلگرام می افزاید.

### روزنه

با گذشت ۸ ماه از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اسامال، شاهد شکل گیری نوعی جریان اعتراضی از بدنه جریان اعتدال و اصلاحات علیه دولت دوازدهم هستیم؛ گویا دوگانه های کاذبی مانند «صلح-جنگ» یا «اعتدال-ارتجاع» که با مدیریت آقای رئیس جمهور و اتاق فکر انتخاباتی ایشان شکل گرفت، هم اکنون به دوگانه های دیگری از جمله «اصلاحات-اعتدال» و «امید-ناامیدی» تبدیل شده است! اگرچه سران اعتدال و حتی جریان اصلاحات در تلاشند جنبش اعتراضی شکل گرفته علیه دولت دوازدهم را توطئه ای از سوی رقبای سیاسی آن خوانند و حتی سخنگوی دولت پیشین را طرفداران سابق و مخالفان فعلی آقای روحانی را برنرفته و تفسیر به رای می کند اما بر همگان مسلح است مخالفت شکل گرفته با دولت، معلول درک پارادوکس عینی «شعار» و «عمل» دولت اعتدال از سوی افکار عمومی و حتی بدنه جریان اعتدال و اصلاحات است. به عبارت شفاف تر، شکاف موجود میان «ذهنیت افکار عمومی» در اردیبهشت ۱۳۹۶ و «عینیت شرایط جامعه» در دی ماه اسامال به اندازه ای عمیق است که درک آن حتی از سوی طرفداران سابق دولت نیز امکان پذیر نیست.

واقعیت امر این است که میان «خلق» دوگانه های تصنعی «تا شکل گیری دوگانه های طبیعی»، تفاوت اساسی وجود دارد. در جریان رقابت های انتخابات ریاست جمهوری اسامال، شاهد شکل گیری دوگانه هایی هدفمند و مدیریت شده، با هدف جلب «آرای سلبی» مردم [یا استناد به تاکتیک رقیب هراسی] بودیم. بدیهی است میان

### پایان تاریخ مصرف بازی با دوگانه های تصنعی

■ محمدرضا بهرامی کریمی

«آرای سلبی» و «آرای ایجابی» تفاوت ماهوی و عمیق وجود دارد. «آرای سلبی» نشأت گرفته از نوعی «واکنش رفتاری» نسبت به جریان دیگر است و در آن «تعلق خاطر نسبت به یک جریان سیاسی» اصلت و موضوعیت ندارد. بدیهی است «آرای سلبی» بر خلاف «آرای ایجابی» قابلیت تغییر پذیری زیادی دارد، زیرا پس از مدتی اندک، فضا و اتمسفر سیاسی - تبلیغاتی جای خود را به سنجش ریزبینانه عملکرد بازیگر پیروز در انتخابات خواهد داد. اگر جریان پیروز در انتخابات با استناد به توانایی های واقعی و وعده هایی ملموس به پیروزی رسیده باشد، به طور طبیعی مخالفت ها با عملکرد آن کمتر خواهد شد. با این حال در صورتی که جریان پیروز در جریان رقابت های انتخاباتی دست به خلق دوگانه های کاذب زده و از طریق جلب آرای سلبی آبه جای جلب حمایت ایجابی افکار عمومی [به پیروزی رسیده باشد، قدرت اندکی جهت اقتاع شهروندان خواهد داشت.

یک- آرای سلبی دولت دوازدهم نسبت به آرای ایجابی آن بالاتر بوده است. همان گونه که اشاره شد، تکیه بر تاکتیک «رقیب هراسی کاذب» در انتخابات، نقش مهمی در شکل گیری این نسبت نامتوازن رقابت های انتخاباتی ریاست جمهوری اسامال، شاهد شکل گیری دوگانه های هدفمند و مدیریت شده، با هدف جلب «آرای سلبی» مردم [یا استناد به تاکتیک رقیب هراسی] بودیم. بدیهی است میان

«کارآمدی» و مشتقات آن برای مردم و خصوصا افرادی که به دولت مستقر رای داده اند، مینا و ملایکی برای قضاوت و ارزیابی عملکرد قوه مجریه محسوب می شود. هم اکنون رای دهندگان پس از حدود ۸ ماه به دنبال تطبیق مصادیق عملکرد دولت با شعارهای انتخاباتی آن، بویژه در حوزه معیشت عمومی هستند. بدیهی است عدم انطباق عملکرد دولت در پوتنه تحلیل و نقد مخاطبان و افکار عمومی، نه تنها آرای سلبی به آرای ایجابی تبدیل نمی شود، بلکه صاحبان آرای سلبی در کسوت مخالفان دولت قرار خواهند گرفت. علاوه بر آن، برخی طرفداران دولت (دارندگان آرای ایجابی) نیز پس از مدتی به طور طبیعی در صدد سنجش عملکرد منتخب خود برآمده و عملکرد مسؤولان اجرایی را مورد ارزیابی قرار می دهند، بنابراین حتی برخی «آرای ایجابی» در انتخابات نیز قابلیت تغییر و تحول دارند؛ حال تکلیف آرای سلبی در این معادله کاملا مشخص است.

دو- بر خلاف آنچه مقامات دولت دوازدهم سعی در القای آن دارند، نارضایتی شکل گرفته علیه دولت، برخاسته از «تحركات منتقدان» نبوده و محصول تحولی است که در نگاه صاحبان «آرای سلبی» نسبت به عملکرد دستگاه اجرایی کشور روی داده است. این روند نه به گونه ای است که بتوان آن را مدیریت یا هدایت کرد و نه تصنعی و ساخته و پرداخته دست منتقدان دولت است! در این راستا ما با تحولی طبیعی، قابل پیش بینی و مستمر روبه رو هستیم که ارائه تفسیر وارونه نسبت به آن، تأثیری در ادامه این روند نخواهد داشت. با گذشت ۸ ماه از انتخابات ریاست جمهوری، مفهوم

www.vatanemrooz.ir

در شبکه های اجتماعی

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۳۳۱

سلام وطن ۶۶۴۱۳۹۴۲

@vatanemrooz

تهدید تولید ملی

خرید کالای خارجی!

0 107354 683291

### یادداشت امروز

## حق انحصاری خیانت!

■ صادق فرامرزی

وقت آن رسیده است که بدون اما و اگر و حدس و گمان، آنچه مشهود است را بیان کرد. حالا واقعیت آن است که حجم انباشتی ناشی از مطالبات اولیه برآورده نشده طبقات محروم، موجی از اعتراضات را آغاز کرد، اعتراضاتی که هر چند با گرایش های اقتصادی شروع شد اما بنا بر رسم نامیوم سیاست ایران مجالی برای یک رادیکالیسم و خشونت از سوی نیروهای طرد شده را فراهم آورد. آنچه در نزدیک به یک هفته اتفاق افتاد دیگر شباهت چندانی به یکدیگر ندارد، مطالبه مسالمت آمیز اقتصادی تبدیل به آشوب های پراکنده و خشونتباری شده که در آن می توان هر صدایی را جز مطالبه خواسته های طبقات محروم یافت. آنچه ملموس است دیگر نه یک واکنش اعتراضی که یک کنش ساختار شکنانه است، موجی از اعتراضات کور که در یک سوسوی آن شعارهای ارتجاعی «زنده باد رضاشاه» به گوش می رسد و در سوی دیگر خسارات فراگیری است که اموال و آسایش عمومی را به نابودی کشانده. اگر بخواهیم تمام آنچه به وقوع پیوست را در یک عبارت توضیح دهیم تا زیر پریم بگویم بذر اعتدال میوه بی عدالتی را تقدیر جامعه کرد و سم بی عدالتی راه را برای تکرار خشونت های فراگیر فراهم کرد.

آنچه آغاز شد نه اتفاقی غیر قابل پیش بینی بود، نه پای «دسیسه» در میان بود و نه خبری از «ستاد رقیب»، آنچه رخ داد نمونه ای تکراری از اعتراضات به حجم شکاف های ایجاد شده در دوران زمامداری یک دولت بود، اقدامی که سابقا و با شکلی مشابه در دهه ۷۰ نیز رخ داده بود، اتفاقی که پیش بینی رخدادش نه نیاز به چشم بصیرت داشت و نه هشدار یک پیشگو، کافی بود دولتمردان نگاهی به کاهش مشارکت مناطق حاشیه نشین در انتخابات های اخیر و غلبه ناشستن رای رقبای در بین بخش مشارکت کننده بیندازد تا اطمینان یابند هیچ عاملی به اندازه حس «محرومیت نسبی» یک جمعیت را آماده مطالبه گیری نمی کند. اما آنچه در واقع اتفاق افتاد چیزی خلاف این را نشان می داد، بستن چشم روی واقعیت ناگوار طبقات محروم، منسوب کردن اعتراضات به توطئه ستادهای رقیب- چنانکه این اشتباه محاسباتی یک بار دیگر مانع توجه به اعتراضات معدن یورت شده بود- عواملی از این دست آن نتیجه ای را داد که امروز شاهدش هستیم.

واکنش های صورت گرفته از جانب فعالان سیاسی اصلاح طلب در روزهای اخیر هر چند تعجبناور به نظر می آید اما خود گویای نگاه اشرافی ناشستن به مسائل ملی حتی در بعد بحران آفرین آن است. سخنان محسن هاشمی در محکوم کردن اردو کشی های خیابانی در حالی که خانواده خود او یکی از رهبران بحران ساز اردو کشی سال ۸۸ بودند، موضع محمدعلی تجفی که سابقه حضور در ختم انسان زنده برای برافروختن آتش اردو کشی های سال ۸۸ را دارد، تحلیل های برخی نویسندگان اصلاح طلب از جمله حمیدرضا جلالی پور در نسبت دادن اردو کشی های ساختار شکن به اردوگاه رقبای انتخاباتی، توصیه عارف به جوانان برای جلوگیری از تبدیل مطالبات شان به وسیله ای برای سوءاستفاده مقامات آمریکایی و مواردی از این دست هر چند در بطن استراتژی خود محکومیتی غیرمستقیم نسبت به وقایع فتنه ۸۸ دارد اما جلوه ای عیان از خوانش «شراف سالارانه» نسبت به هنجار شکنی و اردو کشی خیابانی را داراست.

هشدارهای موکد نسبت به سوءاستفاده مقامات و رئیس جمهور آمریکا از آشوب های خیابانی شبهای گذشته بیش از هر چیز این سوال را به اذهان متبادر می کند که آیا سران اصلاح طلب نسبت به سوءاستفاده مقامات وقت آمریکایی در جریان اردو کشی های ساختار شکنانه و شعارهای رادیکال در سال ۸۸ بی اطلاع بوده اند؟! بدون هیچ شک و تردیدی جواب منفی است و آنچه واقعیت دارد آن است که اشراف حتی خیانت کردن و پاس گل دادن به اجانب را نیز حق انحصاری خود می دانند، آنها مخالف رادیکالیسم و هنجار شکنی نیستند بلکه صرفا رادیکالیسمی را محکوم می کنند که در آن شعارهای ساختار شکنانه جایگاه آنان را نیز تهدید کند، آنان خشونت را رد می کنند اما...